



نقش آموزش پژوهش محور در تقویت مهارت های تفکر، خلاقیت و نوآوری دانش آموزان

معصومه علی نژاد^۱، زهرا قربانی زاده^۲، مهدیه ابراهیمی^۳، زهرا گودرزی^۴

^۱کارشناسی آموزش ابتدایی، فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش

^۲کارشناسی امور تربیتی، فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش

zahraghorbani138188@gmail.com

^۳کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش

Mahdiehebrahimi533@gmail.com

^۴کارشناسی ارشد تاریخ فلسفه آموزش و پرورش، فرهنگی، وزارت آموزش و پرورش



MDOI-02-2026.0064
MNR-65-2-7ED37F



چکیده:

خلاقیت و نوآوری از مهم ترین مهارت های مورد نیاز دانش آموزان در دنیای امروز به شمار می روند و نظام های آموزشی برای تربیت نسلی توانمند، مسئولیت پذیر و مسئله محور، توجه ویژه ای به پرورش این توانایی ها دارند. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش معلم در پرورش خلاقیت و تفکر نوآورانه دانش آموزان انجام شده است. این پژوهش از نظر ماهیت، کیفی و با رویکرد تحلیلی بوده و اطلاعات آن به روش کتابخانه ای از طریق مطالعه کتاب ها، مقالات علمی و منابع معتبر گردآوری شده است. یافته های پژوهش نشان داد که معلمان با بهره گیری از روش های تدریس فعال، یادگیری مشارکتی، آموزش مبتنی بر مسئله، فعالیت های عملی و استفاده هدفمند از فناوری های نوین آموزشی، می توانند نقش مؤثری در تقویت تفکر خلاق، افزایش انگیزه یادگیری، ارتقای مهارت حل مسئله و توسعه توانایی نوآوری دانش آموزان ایفا کنند. همچنین ایجاد محیطی امن، حمایت گر و انعطاف پذیر در کلاس درس، توجه به تفاوت های فردی، تشویق دانش آموزان به ایده پردازی و اصلاح شیوه های ارزشیابی، از عوامل مهم در شکوفایی استعداد های خلاق محسوب می شوند. در نهایت، توسعه خلاقیت و نوآوری نیازمند همکاری معلمان، مدیران مدارس، خانواده ها و برنامه ریزان آموزشی است تا زمینه تربیت دانش آموزانی خلاق، نوآور و آماده برای پاسخگویی به نیازهای جامعه آینده فراهم شود.

کلمات کلیدی: خلاقیت، تفکر نوآورانه، معلم، دانش آموزان، روش های تدریس خلاق.

مقدمه

خلاقیت و نوآوری از مهم ترین اهداف نظام های آموزشی معاصر به شمار می روند و امروزه مدارس علاوه بر انتقال دانش، وظیفه دارند زمینه رشد توانایی های ذهنی، قدرت حل مسئله، تفکر انتقادی و ایده پردازی دانش آموزان را نیز فراهم کنند. تغییرات سریع علمی، فناوری و اجتماعی سبب شده است که پرورش نسلی خلاق، توانمند و نوآور به یکی از اولویت های اصلی آموزش و پرورش تبدیل شود. در چنین شرایطی، برنامه های آموزشی باید به گونه ای طراحی شوند که دانش آموزان بتوانند با مشارکت فعال در فرآیند یادگیری، استعداد های خود را شکوفا ساخته و برای رویارویی با مسائل پیچیده زندگی آمادگی بیشتری کسب کنند. (مرادی، ۱۴۰۳)

نقش معلم در تحقق این هدف بسیار اساسی است؛ زیرا معلم با انتخاب روش های تدریس مناسب، ایجاد فضای یادگیری پویا و تشویق دانش آموزان به پرسشگری و تفکر مستقل، می تواند زمینه پرورش خلاقیت را فراهم آورد. استفاده از فعالیت های اکتشافی، بحث های گروهی، حل مسئله، پروژه های آموزشی و ایجاد فرصت برای ارائه ایده های جدید، موجب می شود دانش آموزان از حالت یادگیرندگان منفعل خارج شده و به افرادی خلاق، تحلیل گر و نوآور تبدیل شوند. همچنین حمایت عاطفی و ایجاد احساس امنیت روانی در کلاس درس، انگیزه دانش آموزان را برای بیان دیدگاه های نو افزایش می دهد. (نوروزی، ۱۴۰۴)

علاوه بر نقش معلم، بهره گیری از بازی های آموزشی، فعالیت های عملی و تجربه محور نیز سهم مهمی در توسعه تفکر خلاق دانش آموزان دارد. یادگیری از طریق تجربه، امکان آزمون ایده های مختلف، کشف راه حل های متنوع و افزایش انعطاف پذیری ذهنی را فراهم می سازد. دانش آموزانی که در محیط های آموزشی فعال و مبتنی بر مشارکت قرار می گیرند، توانایی بیشتری در تحلیل مسائل، تولید ایده های نو و سازگاری با موقعیت های جدید پیدا می کنند و این امر کیفیت یادگیری آنان را به شکل محسوسی افزایش می دهد. (عباسی و همکاران، ۱۴۰۴)

از سوی دیگر، تحقق آموزش خلاق تنها به عملکرد معلم محدود نمی شود، بلکه نیازمند همکاری مدیران مدارس، برنامه ریزان آموزشی و خانواده ها نیز هست. فراهم کردن امکانات آموزشی مناسب، حمایت از ایده های نو، استفاده از فناوری های آموزشی، اصلاح برنامه های درسی و ایجاد فرهنگ مدرسه مبتنی بر نوآوری، می تواند زمینه رشد استعداد های دانش آموزان را بیش از پیش فراهم سازد. (باقری حسین آبادی و همکاران، ۱۴۰۳)

بیان مسئله

امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های آموزشی، تربیت دانش‌آموزانی است که علاوه بر برخورداری از دانش نظری، توانایی تفکر خلاق، نوآوری، حل مسئله و انطباق با تغییرات سریع دنیای امروز را نیز داشته باشند. با وجود تحولاتی که در برنامه‌های درسی و روش‌های آموزشی ایجاد شده است، در بسیاری از مدارس همچنان شیوه‌های سنتی تدریس بر فرآیند آموزش حاکم است و بخش عمده‌ای از فعالیت‌های یادگیری بر حفظ مطالب، انتقال یک‌سویه اطلاعات و ارزشیابی‌های مبتنی بر محفوظات استوار است. این وضعیت موجب می‌شود فرصت کافی برای پرورش خلاقیت، ایده‌پردازی، تفکر واگرا و مشارکت فعال دانش‌آموزان فراهم نشود و بسیاری از استعدادها بالقوه آنان بدون شکوفایی باقی بماند. در چنین شرایطی، توجه به عوامل مؤثر بر رشد خلاقیت دانش‌آموزان و شناسایی راهکارهای مؤثر برای توسعه آن، به ضرورتی انکارناپذیر در نظام تعلیم و تربیت تبدیل شده است. (تقوی عروه، ۱۴۰۴)

از سوی دیگر، پژوهش‌های آموزشی نشان می‌دهد که کیفیت عملکرد معلمان، نوع تعامل آنان با دانش‌آموزان، استفاده از روش‌های تدریس فعال و فراهم کردن محیط یادگیری انعطاف‌پذیر، تأثیر مستقیمی بر رشد خلاقیت و نوآوری فراگیران دارد. با این حال، در بسیاری از کلاس‌های درس به دلیل محدودیت زمان، حجم بالای محتوای آموزشی، کمبود امکانات، تراکم دانش‌آموزان و آشنایی ناکافی برخی معلمان با شیوه‌های نوین تدریس، فرصت مناسبی برای اجرای فعالیت‌های خلاقانه فراهم نمی‌شود. در نتیجه، دانش‌آموزان کمتر به اندیشیدن، آزمایش کردن، پرسشگری و ارائه راه‌حل‌های نو تشویق می‌شوند و فرآیند یادگیری بیشتر به انتقال مطالب درسی محدود می‌شود. (غفاری مجلج و همکاران، ۱۴۰۲)

علاوه بر نقش معلمان، محیط مدرسه، برنامه‌های درسی، امکانات آموزشی، فناوری‌های نوین و فرهنگ حاکم بر مدرسه نیز از عوامل اثرگذار بر پرورش خلاقیت دانش‌آموزان محسوب می‌شوند. مدارس می‌شوند که فرصت انجام فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های پژوهشی، بازی‌های آموزشی، تجربه‌های عملی و استفاده از ابزارهای نوین آموزشی را فراهم می‌کنند، زمینه مناسب‌تری برای رشد تفکر خلاق و نوآورانه دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند. در مقابل، محیط‌های آموزشی محدود و انعطاف‌ناپذیر می‌توانند انگیزه یادگیری، اعتمادبه‌نفس و قدرت ایده‌پردازی دانش‌آموزان را کاهش دهند و آنان را به یادگیرندگانی منفعل تبدیل کنند. (کاظمیان‌پور و همکاران، ۱۴۰۴)

با توجه به اهمیت خلاقیت در موفقیت تحصیلی، رشد فردی و آمادگی دانش‌آموزان برای زندگی و اشتغال در آینده، بررسی نقش معلمان و راهبردهای آموزشی در پرورش تفکر خلاق از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو، پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش



معلمان در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان و شناسایی راهکارهای مؤثر برای تقویت تفکر خلاق در محیط مدرسه انجام شده است تا بتواند زمینه ارائه پیشنهادهایی کاربردی برای بهبود فرآیند آموزش و ارتقای کیفیت یادگیری در مدارس را فراهم سازد.

اهمیت پژوهش

اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که خلاقیت و نوآوری به عنوان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی، نقش اساسی در رشد فردی، پیشرفت تحصیلی و توسعه اجتماعی ایفا می‌کنند. در دنیای امروز که تغییرات علمی، فناوری و فرهنگی با سرعت زیادی در حال وقوع است، نظام‌های آموزشی بیش از هر زمان دیگری نیازمند تربیت دانش‌آموزانی هستند که بتوانند با بهره‌گیری از تفکر خلاق، مسائل جدید را تحلیل کرده و برای آن‌ها راه‌حل‌های نوآورانه ارائه دهند. از این‌رو، شناخت عوامل مؤثر بر پرورش خلاقیت و بررسی نقش معلمان در این زمینه می‌تواند به ارتقای کیفیت آموزش و تحقق اهداف تحول‌آفرین نظام تعلیم و تربیت کمک کند. (فتاحی و همکاران، ۱۴۰۴)

این پژوهش از جنبه آموزشی نیز دارای اهمیت فراوان است؛ زیرا نتایج آن می‌تواند معلمان را با شیوه‌های مؤثر پرورش خلاقیت آشنا کرده و آنان را در انتخاب روش‌های تدریس فعال، طراحی فعالیت‌های یادگیری متنوع و ایجاد محیطی پویا و انگیزه‌بخش یاری دهد. هرچه معلمان آگاهی بیشتری نسبت به راهکارهای تقویت تفکر خلاق داشته باشند، زمینه مشارکت فعال دانش‌آموزان، افزایش اعتمادبه‌نفس، ارتقای مهارت حل مسئله و رشد توانایی ایده‌پردازی آنان بیشتر فراهم خواهد شد. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند در طراحی دوره‌های توانمندسازی معلمان و بازنگری برنامه‌های آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. (وظیفه‌خواه و رضائی، ۱۴۰۵)

از منظر مدیریتی و برنامه‌ریزی آموزشی نیز این پژوهش اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا یافته‌های آن می‌تواند برای مدیران مدارس، برنامه‌ریزان آموزشی و سیاست‌گذاران آموزش و پرورش در تدوین برنامه‌هایی با محوریت توسعه خلاقیت و نوآوری سودمند باشد. ایجاد فضای آموزشی منعطف، استفاده از فناوری‌های نوین، حمایت از روش‌های تدریس نوآورانه و فراهم کردن امکانات لازم برای اجرای فعالیت‌های مشارکتی، از جمله اقداماتی است که با اتکا به نتایج چنین پژوهش‌هایی قابل برنامه‌ریزی خواهد بود. این امر در نهایت به ارتقای کیفیت آموزش، افزایش اثربخشی مدارس و تربیت دانش‌آموزانی توانمند، خلاق و آماده ورود به جامعه دانش‌بنیان منجر می‌شود. (باقری حسین‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۳)



علاوه بر این، پژوهش حاضر می‌تواند زمینه‌ساز انجام مطالعات گسترده‌تر در حوزه خلاقیت، نوآوری و نقش معلمان در فرآیند یاددهی - یادگیری باشد و شکاف‌های موجود در ادبیات پژوهش را تا حدی پوشش دهد. نتایج این مطالعه نه تنها برای پژوهشگران علوم تربیتی، بلکه برای معلمان، مدیران مدارس، دانشجومعلمان و سایر دست‌اندرکاران نظام آموزشی کاربرد خواهد داشت و می‌تواند به عنوان مبنایی برای تدوین راهکارهای عملی در جهت ارتقای کیفیت آموزش و پرورش مورد استفاده قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

مرادی (۱۴۰۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی نقش آموزش گروهی در جهت بهبود خلاقیت و تفکر نوآورانه در دانش‌آموزان» به بررسی تأثیر آموزش گروهی بر رشد توانایی‌های خلاقانه دانش‌آموزان پرداخت. نتایج این پژوهش نشان داد که استفاده از فعالیت‌های گروهی، تعامل میان دانش‌آموزان و مشارکت در فرآیند یادگیری، زمینه مناسبی برای تقویت خلاقیت، افزایش قدرت ایده‌پردازی و رشد تفکر نوآورانه فراهم می‌کند. همچنین مشخص شد که یادگیری مشارکتی موجب افزایش انگیزه، مسئولیت‌پذیری و اعتماد به نفس دانش‌آموزان شده و آنان را به مشارکت فعال‌تر در فعالیت‌های آموزشی ترغیب می‌کند.

نوروزی (۱۴۰۴) در مطالعه‌ای با عنوان «پرورش تفکر نوآورانه: نقش آموزش خلاق در ارتقای توانمندی‌های شناختی دانش‌آموزان» بیان کرد که بهره‌گیری از روش‌های آموزش خلاق، نقش مؤثری در توسعه توانایی‌های شناختی، افزایش انعطاف‌پذیری ذهنی و ارتقای قدرت حل مسئله دانش‌آموزان دارد. نتایج پژوهش وی نشان داد که ایجاد فرصت برای تجربه، ایده‌پردازی و یادگیری فعال، موجب تقویت تفکر نوآورانه و افزایش کیفیت یادگیری دانش‌آموزان می‌شود.

عباسی و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «نقش بازی و تجربه‌های عملی در پرورش تفکر خلاق دانش‌آموزان» به بررسی تأثیر فعالیت‌های عملی و بازی‌های آموزشی بر رشد خلاقیت پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که استفاده از بازی‌های هدفمند، فعالیت‌های تجربی و روش‌های یادگیری مبتنی بر عمل، موجب افزایش انگیزه، تقویت تفکر واگرا، بهبود مهارت حل مسئله و رشد توانایی‌های خلاقانه دانش‌آموزان می‌شود.

باقری حسین‌آبادی و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش رویکردهای نوآورانه در آموزش و پرورش: پرورش خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان» به اهمیت به‌کارگیری رویکردهای نوین آموزشی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که استفاده از روش‌های تدریس نوآورانه، فناوری‌های آموزشی، یادگیری مشارکتی و فعالیت‌های مسئله‌محور، تأثیر قابل توجهی بر افزایش خلاقیت، نوآوری و مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری دارد.



تقوی عروه (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «نقش معلمان در پرورش خلاقیت دانش آموزان» بیان کرد که معلمان با ایجاد محیطی حمایت گر، استفاده از روش های تدریس فعال، تشویق دانش آموزان به بیان ایده های جدید و ایجاد فرصت برای تجربه و کشف، می توانند نقش مؤثری در شکوفایی استعداد های خلاق دانش آموزان ایفا کنند. نتایج این پژوهش نشان داد که کیفیت تعامل معلم و دانش آموز یکی از عوامل کلیدی در رشد خلاقیت است.

غفاری مجلیج و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «نقش معلمان در راه های تقویت مهارت خلاقیت و نوآوری دانش آموزان» به بررسی راهکارهای آموزشی مؤثر در تقویت خلاقیت پرداختند. یافته های پژوهش حاکی از آن بود که استفاده از روش های تدریس فعال، ایجاد فضای پرسشگری، تقویت یادگیری اکتشافی و حمایت از ایده های دانش آموزان، موجب افزایش توانایی نوآوری و خلاقیت در محیط آموزشی می شود.

فتاحی و همکاران (۱۴۰۴) در مطالعه ای با عنوان «روش های پرورش تفکر خلاق در دانش آموزان» بیان کردند که اجرای فعالیت های آموزشی متنوع، آموزش مبتنی بر پروژه، یادگیری اکتشافی و استفاده از روش های حل مسئله، تأثیر چشمگیری در پرورش تفکر خلاق دانش آموزان دارد. همچنین نتایج نشان داد که تنوع در شیوه های تدریس، انگیزه یادگیری و مشارکت دانش آموزان را افزایش می دهد.

وظیفه خواه و رضائی (۱۴۰۵) در پژوهشی با عنوان «نقش معلم در پرورش تفکر خلاق در دانش آموزان» تأکید کردند که معلمان خلاق با ایجاد فرصت برای اندیشیدن، پرسشگری، گفت و گو و فعالیت های مشارکتی، زمینه رشد توانایی های ذهنی و خلاقانه دانش آموزان را فراهم می کنند. نتایج پژوهش نشان داد که سبک تدریس معلم و نوع ارتباط او با دانش آموزان، از مهم ترین عوامل مؤثر بر توسعه تفکر خلاق است.

کاظمیان پور و همکاران (۱۴۰۴) در مطالعه ای با عنوان «نقش مدارس در پرورش تفکر خلاق و نوآور در دانش آموزان» بیان کردند که فرهنگ سازمانی مدرسه، امکانات آموزشی، حمایت مدیران و فراهم کردن محیطی مشارکتی، نقش مهمی در رشد خلاقیت و نوآوری دانش آموزان دارد. یافته ها نشان داد مدارس که از برنامه های آموزشی منعطف و فعالیت های خلاقانه حمایت می کنند، عملکرد موفق تری در پرورش تفکر خلاق دانش آموزان دارند.

ابراهیمی (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «نوآوری آموزشی و نقش معلم هوشمند در پرورش خلاقیت و رشد تحصیلی دانش آموزان» به بررسی نقش فناوری و نوآوری آموزشی در توسعه خلاقیت پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که استفاده از



فناوری های نوین، ابزارهای هوشمند آموزشی و روش های تدریس نوآورانه، علاوه بر افزایش خلاقیت، موجب بهبود عملکرد تحصیلی، افزایش انگیزه یادگیری و ارتقای کیفیت فرآیند آموزش در مدارس می شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، کیفی است که با رویکرد تحلیلی انجام شده است. در این پژوهش، به منظور تبیین نقش معلم در پرورش خلاقیت و تفکر نوآورانه دانش آموزان، ابتدا منابع علمی مرتبط گردآوری و سپس با استفاده از روش تحلیل کیفی مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته اند. تمرکز اصلی پژوهش بر تحلیل دیدگاه ها، یافته های پژوهشی و مبانی نظری موجود در حوزه خلاقیت، نوآوری و نقش معلمان در فرآیند تعلیم و تربیت بوده است تا تصویری جامع از ابعاد مختلف موضوع ارائه شود.

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش کتابخانه ای است. بدین منظور، داده ها از طریق مطالعه و بررسی کتاب ها، مقالات علمی، مقالات ارائه شده در همایش های ملی و بین المللی، پایان نامه ها و سایر منابع معتبر علمی مرتبط با موضوع پژوهش گردآوری شده است. پس از جمع آوری منابع، اطلاعات استخراج، دسته بندی و بر اساس اهداف پژوهش مورد تحلیل و مقایسه قرار گرفته اند.

در مرحله تحلیل داده ها، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است؛ به گونه ای که مفاهیم، دیدگاه ها و نتایج پژوهش های پیشین بررسی، مقایسه و تفسیر شده و بر اساس شباهت ها و تفاوت های موجود، چارچوبی منسجم برای تبیین نقش معلمان در پرورش خلاقیت و نوآوری دانش آموزان ارائه شده است. این شیوه امکان بهره گیری از شواهد علمی موجود، استخراج مؤلفه های مؤثر و دستیابی به نتایج مستند و قابل استناد را فراهم ساخته است.



مفهوم خلاقیت، نوآوری و تفکر خلاق در دانش آموزان

خلاقیت، نوآوری و تفکر خلاق از مهم ترین مفاهیمی هستند که در نظام های آموزشی نوین مورد توجه قرار گرفته اند و امروزه به عنوان یکی از اهداف اساسی تعلیم و تربیت شناخته می شوند. خلاقیت به توانایی تولید ایده های جدید، ارزشمند و کاربردی اشاره دارد و فرد خلاق قادر است با نگاهی متفاوت به مسائل، راه حل هایی نو و اثربخش ارائه دهد. نوآوری نیز فراتر از تولید ایده است و به مرحله به کارگیری و اجرای ایده های خلاقانه در موقعیت های واقعی مربوط می شود. تفکر خلاق، فرآیندی ذهنی است که فرد را قادر می سازد با بهره گیری از تخیل، تحلیل، انعطاف پذیری و ابتکار، به کشف راهکارهای تازه برای حل مسائل دست یابد. در محیط آموزشی، این سه مفهوم به یکدیگر وابسته اند و رشد هر یک می تواند زمینه تقویت دیگری را فراهم کند. زمانی که دانش آموزان فرصت تجربه، پرسشگری، ایده پردازی و مشارکت در فعالیتهای آموزشی را داشته باشند، توانایی های خلاقانه آنان نیز به تدریج شکوفا خواهد شد. (مرادی، ۱۴۰۳)

در میان دانش آموزان، تفکر خلاق تنها به استعداد های ذاتی محدود نمی شود، بلکه مهارتی قابل آموزش و پرورش است که تحت تأثیر عوامل مختلف آموزشی، روان شناختی و محیطی قرار دارد. محیط یادگیری پویا، برنامه های درسی منعطف، فعالیتهای گروهی، آموزش مبتنی بر مسئله و ایجاد فرصت برای اظهار نظر آزادانه، از جمله عواملی هستند که می توانند رشد خلاقیت را تسهیل کنند. همچنین تشویق دانش آموزان به تحلیل موقعیتهای، ارائه دیدگاه های متفاوت و جستجوی راه حل های متنوع، موجب افزایش قدرت تفکر واگرا، انعطاف ذهنی و اعتماد به نفس آنان می شود. در چنین فضایی، دانش آموزان به جای حفظ صرف مطالب، یاد می گیرند چگونه بیندیشند، ایده تولید کنند و از دانش خود برای حل مسائل واقعی استفاده نمایند. (نوروزی، ۱۴۰۴)

از سوی دیگر، پرورش خلاقیت در دانش آموزان مستلزم ایجاد فرصت برای تجربه عملی، یادگیری اکتشافی و مشارکت فعال در فرآیند آموزش است. انجام فعالیتهای عملی، بازی های آموزشی، پروژه های گروهی و تجربه های یادگیری متنوع، زمینه را برای رشد قدرت تخیل، نوآوری و حل مسئله فراهم می کند. هنگامی که دانش آموزان در موقعیتهای واقعی قرار می گیرند و امکان آزمون ایده های مختلف را پیدا می کنند، توانایی آنان در کشف راهکارهای جدید و ارائه پاسخ های خلاقانه افزایش می یابد. چنین رویکردی علاوه بر ارتقای یادگیری، موجب افزایش انگیزه، مسئولیت پذیری و علاقه آنان به فعالیتهای آموزشی نیز می شود. (عباسی و همکاران، ۱۴۰۴)

امروزه پرورش خلاقیت و نوآوری در دانش آموزان یکی از شاخص های مهم کیفیت نظام های آموزشی به شمار می آید؛ زیرا جوامع برای دستیابی به توسعه پایدار و پیشرفت علمی، نیازمند افرادی هستند که توانایی تفکر مستقل، تحلیل مسائل و خلق ایده های نو



را داشته باشند. از این رو، مدارس باید با ایجاد محیطی حمایت گر، انعطاف پذیر و نوآور، فرصت رشد استعدادهای خلاق دانش آموزان را فراهم کنند. تحقق این هدف مستلزم همکاری معلمان، مدیران، خانواده ها و برنامه ریزان آموزشی در جهت ایجاد فرهنگ یادگیری خلاق، تقویت روحیه نوآوری و فراهم کردن بسترهای لازم برای شکوفایی توانایی های ذهنی و عملی دانش آموزان است. (باقری حسین آبادی و همکاران، ۱۴۰۳)

نقش معلم در پرورش خلاقیت و تفکر نوآورانه دانش آموزان

معلم یکی از مهم ترین ارکان نظام تعلیم و تربیت و تأثیرگذارترین عامل در فرآیند یاددهی-یادگیری است که می تواند با شیوه های آموزشی مناسب، زمینه رشد خلاقیت و تفکر نوآورانه دانش آموزان را فراهم سازد. در کلاس های درسی که معلم تنها به انتقال مطالب درسی اکتفا نمی کند و دانش آموزان را به پرسشگری، تحلیل، ایده پردازی و مشارکت در فعالیتهای آموزشی تشویق می کند، فرصت مناسبی برای شکوفایی استعدادهای خلاق ایجاد می شود. معلم خلاق با ایجاد فضایی امن و حمایت گر، به دانش آموزان اجازه می دهد بدون ترس از اشتباه، دیدگاه های خود را بیان کنند، راه حل های متفاوت ارائه دهند و از تجربه های آموزشی برای توسعه مهارت های ذهنی خود بهره بگیرند. چنین محیطی علاوه بر افزایش انگیزه یادگیری، موجب تقویت اعتماد به نفس، استقلال فکری و توانایی حل مسئله در دانش آموزان می شود. (تقوی عروه، ۱۴۰۴)

یکی از مهم ترین وظایف معلم در پرورش تفکر نوآورانه، استفاده از روش های تدریس فعال و دانش آموز محور است. بهره گیری از روش هایی مانند یادگیری مشارکتی، آموزش مبتنی بر حل مسئله، پروژه های پژوهشی، بحث های گروهی، بارش فکری و فعالیتهای اکتشافی، دانش آموزان را از حالت یادگیرندگان منفعل خارج کرده و آنان را به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری سوق می دهد. در این شیوه ها، دانش آموزان فرصت پیدا می کنند تا با بررسی مسائل از زوایای مختلف، ایده های جدیدی ارائه دهند، راهکارهای گوناگون را ارزیابی کنند و توانایی تصمیم گیری و تفکر انتقادی خود را توسعه دهند. این فرایند موجب می شود خلاقیت به عنوان بخشی از تجربه روزمره یادگیری در کلاس درس شکل گیرد و تقویت شود. (غفاری مجلج و همکاران، ۱۴۰۲)

نقش معلم تنها به انتخاب روش تدریس محدود نمی شود، بلکه شیوه تعامل او با دانش آموزان نیز تأثیر مستقیمی بر رشد خلاقیت دارد. معلمی که به تفاوت های فردی دانش آموزان احترام می گذارد، آنان را برای بیان آزادانه اندیشه ها تشویق می کند و بازخوردهای سازنده ارائه می دهد، زمینه مناسبی برای رشد تفکر خلاق فراهم می آورد. همچنین تشویق دانش آموزان به تجربه کردن، پذیرش خطا به عنوان بخشی از فرآیند یادگیری، تقویت روحیه کنجکاوی و ایجاد فرصت برای کشف و آزمایش ایده های جدید، از جمله



اقداماتی است که می تواند توانایی نوآوری آنان را افزایش دهد. در چنین فضایی، دانش آموزان احساس امنیت روانی بیشتری داشته و با انگیزه بالاتری در فعالیتهای آموزشی مشارکت می کنند. (وظیفه خواه و رضائی، ۱۴۰۵)

امروزه با گسترش فناوریهای آموزشی، نقش معلم نیز از انتقال دهنده صرف اطلاعات به تسهیل گر یادگیری و هدایت کننده فرآیند آموزش تغییر یافته است. معلمان با بهره گیری از فناوریهای نوین، ابزارهای هوشمند، محتوای چندرسانه ای و منابع آموزشی متنوع می توانند فرصتهای بیشتری برای تجربه، اکتشاف و یادگیری خلاقانه در اختیار دانش آموزان قرار دهند. تلفیق فناوری با روشهای تدریس نوآورانه، امکان طراحی فعالیتهای تعاملی، پروژه های پژوهشی و یادگیری مبتنی بر مسئله را افزایش می دهد و دانش آموزان را برای مواجهه با نیازهای جامعه دانش بنیان آماده می سازد. در نتیجه، معلم به عنوان هدایت کننده اصلی فرآیند یادگیری، نقشی اساسی در پرورش نسلی خلاق، نوآور، مسئولیت پذیر و توانمند برای آینده ایفا می کند. (ابراهیمی، ۱۴۰۴)

روش های تدریس خلاق و راهبردهای آموزشی مؤثر در توسعه نوآوری

روش های تدریس خلاق از مهم ترین عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت و نوآوری دانش آموزان به شمار می روند. این روش ها با فاصله گرفتن از شیوه های سنتی و معلم محور، دانش آموزان را به مشارکت فعال در فرآیند یادگیری تشویق می کنند و فرصت می دهند تا با اندیشیدن، پرسشگری، آزمایش و کشف، توانایی های ذهنی خود را توسعه دهند. در تدریس خلاق، معلم تنها انتقال دهنده اطلاعات نیست، بلکه نقش هدایت گر و تسهیل کننده یادگیری را بر عهده دارد و تلاش می کند با ایجاد موقعیتهای متنوع آموزشی، زمینه بروز استعدادها و ایده های نو را فراهم سازد. استفاده از این رویکردها موجب می شود دانش آموزان علاوه بر کسب دانش، مهارتهایی همچون تحلیل، تصمیم گیری، حل مسئله و تفکر خلاق را نیز در خود تقویت کنند. (مرادی، ۱۴۰۳)

یکی از مؤثرترین راهبردهای آموزشی در توسعه نوآوری، استفاده از آموزش فعال و یادگیری مشارکتی است. در این روش، دانش آموزان از طریق کار گروهی، تبادل نظر، بحث و همکاری در حل مسائل، فرصت می یابند دیدگاه های متفاوت را بررسی کرده و راه حل های خلاقانه ارائه دهند. همچنین روش هایی مانند بارش فکری، آموزش مبتنی بر پروژه، یادگیری مبتنی بر مسئله و فعالیتهای پژوهش محور، زمینه تقویت قدرت تحلیل، انعطاف پذیری ذهنی و تولید ایده های جدید را فراهم می کنند. این راهبردها موجب می شوند دانش آموزان مسئولیت بیشتری در فرآیند یادگیری بر عهده گرفته و به جای حفظ مطالب، به درک عمیق مفاهیم و کاربرد آنها در موقعیتهای واقعی دست یابند. (نوروزی، ۱۴۰۴)



بهره‌گیری از بازی‌های آموزشی، فعالیت‌های عملی و تجربه‌محور نیز از دیگر روش‌های مؤثر در پرورش خلاقیت و نوآوری است. زمانی که دانش‌آموزان در موقعیت‌های واقعی یا شبیه‌سازی شده قرار می‌گیرند و امکان آزمون ایده‌های مختلف را پیدا می‌کنند، قدرت تخیل، تفکر واگرا و توانایی حل مسئله آنان تقویت می‌شود. بازی‌های آموزشی علاوه بر ایجاد انگیزه و نشاط در کلاس درس، فرصت مناسبی برای یادگیری اکتشافی، تقویت مهارت‌های اجتماعی و افزایش اعتمادبه‌نفس دانش‌آموزان فراهم می‌کنند. همچنین فعالیت‌های عملی سبب می‌شود دانش‌آموزان مفاهیم درسی را عمیق‌تر درک کرده و ارتباط میان دانش نظری و کاربرد عملی آن را بهتر بشناسند. (عباسی و همکاران، ۱۴۰۴)

توسعه نوآوری در مدارس نیازمند آن است که معلمان از ترکیبی از روش‌های تدریس متنوع و متناسب با ویژگی‌های دانش‌آموزان استفاده کنند. به‌کارگیری فناوری‌های آموزشی، ابزارهای هوشمند، محتوای چندرسانه‌ای، آموزش ترکیبی و منابع دیجیتال، فرصت‌های یادگیری متنوعی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد و آنان را به کشف، تجربه و خلق ایده‌های جدید ترغیب می‌کند. در کنار این موارد، ایجاد فضایی که در آن اشتباه کردن بخشی طبیعی از فرآیند یادگیری تلقی شود و دانش‌آموزان بدون نگرانی از قضاوت بتوانند نظرات خود را بیان کنند، نقش مهمی در شکل‌گیری تفکر خلاق دارد. در چنین محیطی، نوآوری به یکی از ویژگی‌های اصلی فرآیند آموزش تبدیل شده و زمینه رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان فراهم می‌شود. (ابراهیمی، ۱۴۰۴)

نقش فناوری‌های نوین و فعالیت‌های عملی در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان

فناوری‌های نوین آموزشی در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتقای کیفیت آموزش و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان تبدیل شده‌اند. گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، هوش مصنوعی، نرم‌افزارهای آموزشی، کلاس‌های هوشمند و منابع چندرسانه‌ای، فرصت‌های تازه‌ای برای یادگیری فعال، اکتشافی و دانش‌آموزمحور فراهم کرده است. این فناوری‌ها با ایجاد محیط‌های تعاملی، امکان دسترسی به منابع متنوع، شبیه‌سازی موقعیت‌های واقعی و افزایش مشارکت دانش‌آموزان، موجب می‌شوند فرآیند یادگیری از حالت سنتی و حافظه‌محور خارج شده و به تجربه‌ای پویا و خلاقانه تبدیل شود. استفاده هدفمند از فناوری در کلاس درس، قدرت تحلیل، مهارت حل مسئله، تفکر انتقادی و توانایی ایده‌پردازی دانش‌آموزان را تقویت کرده و آنان را برای مواجهه با چالش‌های دنیای امروز آماده می‌سازد. (ابراهیمی، ۱۴۰۴)

در کنار فناوری‌های نوین، فعالیت‌های عملی و تجربه‌محور نیز از مهم‌ترین عوامل مؤثر در پرورش خلاقیت به شمار می‌آیند. یادگیری زمانی اثربخش‌تر خواهد بود که دانش‌آموزان بتوانند مفاهیم نظری را در قالب فعالیت‌های عملی، آزمایش، بازی‌های آموزشی، پروژه‌های گروهی و تجربه‌های واقعی به کار گیرند. این نوع فعالیت‌ها زمینه کشف، آزمایش، اصلاح ایده‌ها و ارائه



راهکارهای نو را فراهم می کنند و باعث می شوند دانش آموزان با اعتماد به نفس بیشتری در فرآیند یادگیری مشارکت کنند. همچنین فعالیت های عملی موجب افزایش قدرت مشاهده، دقت، انعطاف پذیری ذهنی و توانایی تصمیم گیری شده و مهارت های شناختی و اجتماعی دانش آموزان را به طور هم زمان تقویت می کند. (عباسی و همکاران، ۱۴۰۴)

کاربرد فناوری های نوین زمانی بیشترین اثربخشی را خواهد داشت که با روش های تدریس خلاق و فعالیت های مشارکتی تلفیق شود. معلم می تواند با استفاده از ابزارهای دیجیتال، محتوای چندرسانه ای، بازی های آموزشی الکترونیکی، نرم افزارهای تعاملی و پروژه های پژوهشی، فرصت های متنوعی برای یادگیری فراهم کند. این رویکرد نه تنها انگیزه دانش آموزان را برای یادگیری افزایش می دهد، بلکه آنان را به جست و جو، تحلیل اطلاعات، تولید محتوا و ارائه ایده های خلاقانه ترغیب می کند. در چنین شرایطی، دانش آموزان نقش فعال تری در فرآیند یادگیری بر عهده می گیرند و به جای دریافت کنندگان صرف اطلاعات، به تولید کنندگان دانش و ایده تبدیل می شوند. (کاظمیان پور و همکاران، ۱۴۰۴)

از سوی دیگر، تلفیق فناوری با فعالیت های عملی می تواند محیطی انعطاف پذیر، پویا و انگیزه بخش در مدارس ایجاد کند که در آن یادگیری مبتنی بر تجربه، همکاری و نوآوری شکل گیرد. فراهم کردن امکانات مناسب، آموزش معلمان در زمینه استفاده از فناوری های آموزشی، طراحی فعالیت های مسئله محور و ایجاد فرصت برای انجام پروژه های گروهی، از جمله اقداماتی است که می تواند اثربخشی فرآیند آموزش را افزایش دهد. در چنین محیطی، دانش آموزان ضمن کسب دانش و مهارت، توانایی تفکر خلاق، نوآوری، مسئولیت پذیری و سازگاری با تغییرات را نیز در خود پرورش می دهند و آمادگی بیشتری برای ایفای نقش در جامعه آینده پیدا می کنند. (فتاحی و همکاران، ۱۴۰۴)

راهکارهای پیشنهادی ارتقای نقش معلمان در توسعه خلاقیت و نوآوری دانش آموزان

یکی از مهم ترین راهکارهای ارتقای نقش معلمان در توسعه خلاقیت و نوآوری دانش آموزان، توانمندسازی حرفه ای آنان از طریق برگزاری دوره های آموزشی، کارگاه های تخصصی و برنامه های ضمن خدمت است. آشنایی معلمان با روش های نوین تدریس، روان شناسی خلاقیت، شیوه های پرورش تفکر واگرا و استفاده از فناوری های آموزشی، موجب می شود آنان بتوانند محیطی پویا، جذاب و یادگیرنده محور در کلاس درس ایجاد کنند. همچنین به روزرسانی دانش و مهارت های حرفه ای معلمان، توانایی آنان را در طراحی فعالیت های آموزشی خلاقانه و پاسخگویی به نیازهای متنوع دانش آموزان افزایش می دهد.



اصلاح شیوه های تدریس و حرکت از آموزش سنتی به سمت آموزش فعال، مشارکتی و مسئله محور نیز از مهم ترین راهکارهای توسعه خلاقیت در مدارس است. معلمان می توانند با استفاده از روش هایی مانند یادگیری مبتنی بر پروژه، حل مسئله، بحث های گروهی، بارش فکری، ایفای نقش، پژوهش های دانش آموزی و آموزش اکتشافی، فرصت بیشتری برای تفکر، تحلیل، ایده پردازی و نوآوری فراهم کنند. در چنین فضایی، دانش آموزان نقش فعالی در فرآیند یادگیری بر عهده گرفته و به جای حفظ مطالب، به تولید دانش و ارائه راهکارهای خلاقانه تشویق می شوند.

ایجاد محیطی امن، حمایت گر و انگیزه بخش در کلاس درس نیز نقش مهمی در شکوفایی استعداد های خلاق دانش آموزان دارد. معلمان باید فضایی فراهم کنند که دانش آموزان بدون نگرانی از اشتباه یا قضاوت دیگران بتوانند پرسش مطرح کنند، ایده های جدید ارائه دهند و راه حل های متفاوت را آزمایش کنند. احترام به تفاوت های فردی، تشویق خلاقیت، ارائه بازخوردهای سازنده و تقویت اعتماد به نفس دانش آموزان، زمینه رشد تفکر مستقل و نوآورانه را فراهم می سازد و انگیزه آنان را برای مشارکت در فعالیت های آموزشی افزایش می دهد.

بهره گیری هدفمند از فناوری های نوین آموزشی نیز می تواند نقش معلمان را در توسعه خلاقیت دانش آموزان تقویت کند. استفاده از کلاس های هوشمند، نرم افزارهای آموزشی، محتوای چند رسانه ای، آزمایشگاه های مجازی، ابزارهای هوش مصنوعی و منابع آموزشی دیجیتال، فرصت های یادگیری متنوع و تعاملی را در اختیار دانش آموزان قرار می دهد. تلفیق فناوری با فعالیت های عملی، پروژه های پژوهشی و آموزش مبتنی بر تجربه، علاوه بر افزایش جذابیت کلاس، زمینه پرورش مهارت های تفکر خلاق، حل مسئله و نوآوری را نیز فراهم می کند.

همکاری مستمر میان معلمان، مدیران مدارس، خانواده ها و برنامه ریزان آموزشی نیز از عوامل مهم در موفقیت برنامه های پرورش خلاقیت است. ایجاد فرهنگ سازمانی حمایت کننده از نوآوری، فراهم کردن امکانات آموزشی مناسب، تشویق معلمان به تبادل تجربه های موفق، مشارکت خانواده ها در فعالیت های آموزشی و توجه به نیازها و استعداد های فردی دانش آموزان، می تواند اثربخشی برنامه های آموزشی را افزایش دهد. همچنین بازنگری در شیوه های ارزشیابی و حرکت به سوی ارزیابی های عملکردی، پروژه ای و مهارتی، زمینه مناسبی برای شناسایی و تقویت توانایی های خلاق دانش آموزان فراهم خواهد کرد و نقش معلمان را در تربیت نسلی نوآور، مسئولیت پذیر و توانمند بیش از پیش ارتقا خواهد داد.



یافته ها

یافته های این پژوهش نشان داد که معلم مهم ترین عامل در پرورش خلاقیت و تفکر نوآورانه دانش آموزان است. استفاده از روش های تدریس فعال، ایجاد فضای یادگیری پویا، تشویق دانش آموزان به پرسشگری و ایده پردازی، و به کارگیری فعالیت های مشارکتی، تأثیر چشمگیری در رشد توانایی های خلاقانه آنان دارد.

همچنین مشخص شد که بهره گیری از فناوری های نوین آموزشی، فعالیت های عملی، پروژه های گروهی و آموزش مبتنی بر تجربه، موجب افزایش انگیزه یادگیری، تقویت مهارت حل مسئله، توسعه تفکر انتقادی و ارتقای توانایی نوآوری دانش آموزان می شود. این شیوه ها فرصت مناسبی برای مشارکت فعال فراگیران در فرآیند یادگیری فراهم می کنند و آنان را به تولید ایده های جدید و کاربردی سوق می دهند.

یافته ها همچنین بیانگر آن است که ایجاد محیطی امن، انعطاف پذیر و حمایت گر در کلاس درس، نقش مهمی در افزایش اعتماد به نفس، استقلال فکری و جرئت ابراز نظر دانش آموزان دارد. زمانی که دانش آموزان بدون نگرانی از اشتباه بتوانند دیدگاه های خود را بیان کنند و راه حل های متفاوت را بیازمایند، زمینه رشد خلاقیت و نوآوری آنان به شکل مطلوب تری فراهم می شود.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان داد که توسعه خلاقیت تنها به عملکرد معلم وابسته نیست، بلکه همکاری مدیران مدارس، خانواده ها و برنامه ریزان آموزشی، فراهم کردن امکانات مناسب، بازنگری در برنامه های درسی و اصلاح شیوه های ارزشیابی نیز از عوامل مؤثر در تحقق این هدف هستند. هماهنگی میان این عوامل می تواند زمینه تربیت دانش آموزانی خلاق، نوآور، مسئولیت پذیر و آماده برای مواجهه با چالش های آینده را فراهم سازد.



نتیجه گیری

با توجه به مطالب مطرح شده، می توان نتیجه گرفت که پرورش خلاقیت و نوآوری در دانش آموزان یکی از مهم ترین رسالت های نظام تعلیم و تربیت در عصر حاضر است و تحقق این هدف، بیش از هر عامل دیگری به نقش معلمان در فرآیند یاددهی-یادگیری وابسته است. معلمان با انتخاب روش های تدریس مناسب، ایجاد محیطی پویا و حمایت گر، تشویق دانش آموزان به پرسشگری، ایده پردازی، تجربه و حل مسئله، می توانند زمینه شکوفایی استعداد های خلاق آنان را فراهم کنند. استفاده از راهبردهای آموزشی فعال، فعالیت های عملی، فناوری های نوین و یادگیری مشارکتی نیز نقش مؤثری در افزایش انگیزه، اعتماد به نفس، تفکر انتقادی و توانایی نوآوری دانش آموزان دارد.

از سوی دیگر، توسعه خلاقیت در مدارس تنها به عملکرد معلمان محدود نمی شود، بلکه نیازمند برنامه ریزی منسجم، حمایت مدیران، مشارکت خانواده ها، فراهم کردن امکانات آموزشی مناسب و بازنگری در برنامه های درسی و شیوه های ارزشیابی است. هرچه محیط آموزشی فرصت بیشتری برای تجربه، تعامل، همکاری و ارائه ایده های نو فراهم کند، دانش آموزان آمادگی بیشتری برای مواجهه با مسائل پیچیده و ایفای نقش مؤثر در جامعه خواهند داشت.

بنابراین، سرمایه گذاری بر توانمندسازی معلمان، توسعه فرهنگ نوآوری در مدارس و ایجاد بسترهای مناسب برای یادگیری خلاق، می تواند گامی مؤثر در تربیت نسلی خلاق، توانمند، مسئولیت پذیر و آماده برای پاسخگویی به نیازهای آینده جامعه باشد.



منابع

- مرادی، خ. (۱۴۰۳). بررسی نقش آموزش گروهی در جهت بهبود خلاقیت و تفکر نوآورانه در دانش‌آموزان. در مجموعه مقالات اولین همایش ملی نگرش‌های نوین در مسائل آموزش و پرورش، رامشیر.
- نوروزی، ر. (۱۴۰۴). پرورش تفکر نوآورانه: نقش آموزش خلاق در ارتقای توانمندی‌های شناختی دانش‌آموزان. در مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی تجربه‌های طلایی و پژوهش‌های ماندگار معلمان، خرم‌آباد.
- عباسی، ف.، دیلم، ز.، نیازی، آ.، و نعمت‌زاده، ف. (۱۴۰۴). نقش بازی و تجربه‌های عملی در پرورش تفکر خلاق دانش‌آموزان. در مجموعه مقالات دومین همایش ملی و اولین همایش بین‌المللی راهبردهای آموزشی و پژوهشی در آموزش و پرورش، اهواز.
- باقری حسین‌آبادی، ف.، خسروی، س.، باقری حسین‌آبادی، ز.، و باقری حسین‌آبادی، ز. (۱۴۰۳). نقش رویکردهای نوآورانه در آموزش و پرورش: پرورش خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان. در مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی پیشروان تعلیم و تربیت، خرم‌آباد.
- تقوی عروه، ز. (۱۴۰۴). نقش معلمان در پرورش خلاقیت دانش‌آموزان. در مجموعه مقالات دومین همایش ملی و اولین همایش بین‌المللی راهبردهای آموزشی و پژوهشی در آموزش و پرورش، اهواز.
- غفاری مجلج، م.، درویش نایب، ع.، و توکلی، ع. (۱۴۰۲). نقش معلمان در راهای تقویت مهارت خلاقیت و نوآوری دانش‌آموزان. در مجموعه مقالات یازدهمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، مشاوره و علوم تربیتی، تهران.
- فتاحی، ک.، توده زعیم، ف.، تبارکی، ف.، و پورحسینی، پ. (۱۴۰۴). روش‌های پرورش تفکر خلاق در دانش‌آموزان. در مجموعه مقالات دومین همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین و اولین همایش بین‌المللی پژوهشی فرهنگیان نوین، آستارا.
- وظیفه‌خواه، ف.، و رضائی، م. (۱۴۰۵). نقش معلم در پرورش تفکر خلاق در دانش‌آموزان. در مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی تحولات نوین در نظام‌های آموزشی، تربیتی، روان‌شناسی، مهارت‌آموزی و مهارت‌محوری با محوریت آموزش و پرورش در هزاره سوم، بوشهر.
- کاظمیان‌پور، م.، محمدزاده، م.، همتی، م.، و کوچی، ف. (۱۴۰۴). نقش مدارس در پرورش تفکر خلاق و نوآور در دانش‌آموزان. در مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی افق‌های تازه در روان‌شناسی یادگیری و آموزش و پرورش از دید معلم، ارومیه.
- ابراهیمی، ع. (۱۴۰۴). نوآوری آموزشی و نقش معلم هوشمند در پرورش خلاقیت و رشد تحصیلی دانش‌آموزان. در مجموعه مقالات دوازدهمین همایش ملی تازه‌های روان‌شناسی مثبت، بندرعباس.